

گفتگو با فرهنگ سازان بزرگ ایران

۹ - مصاحبه با آقای جلال الدین محمد بلخی در قونیه

بخش آخر

از دکتر عباس احمدی

اشاره - باخبر شدیم که یکی از اندیشمندان بلند آوازه ی ایرانی به نام آقای جلال الدین محمد بلخی در شهر قونیه واقع در ترکیه اقامت دارند و با زحمات فراوان توانستیم مصاحبه ای با ایشان ترتیب بدهیم.

ع ۱ - آقای بلخی، از این که با این همه گرفتاری، دعوت ما را برای مصاحبه قبول کرده اید بسیار سپاسگزارم. دیروز راجع به بیوگرافی شما صحبت کردیم، امروز می خواهیم راجع کتاب های شما صحبت کنیم.

ج م ب - موافقم.

کتاب ها

ع ۱ - تاکنون چند کتاب نوشته اید؟

ج م ب - بنده در عرض این شصت و شش سالی که از عمرم گذشته است، پنج کتاب نوشته ام که عبارتند از:

۱) مجالس سبعة - این کتاب، مجموعه ای از هفت وعظ یا هفت مجلس است که بر سر منبر گفته ام. این کتاب به نثر است.

۲) مکاتیب - این کتاب، مجموعه ای از ۱۴۴ نامه است. من این نامه ها را به دوستان و آشنایان و معاصرانم نوشته ام. این کتاب نیز به نثر است.

۳) فیه مافیه - این کتاب، مجموعه ای از گفتارهای من در مجالس عرفانی است. من این مطالب را تقریر کرده ام و پسر بزرگم، بهاء الدین محمد، آن ها را روی کاغذ نوشته است. این کتاب نیز به نثر است.

۴) غزلیات - این کتاب که به نام «دیوان شمس» یا «کلیات شمس» نیز مشهور است، مجموعه ای از غزلیات عرفانی من است. من این غزل ها را در حال وجد و حال گفته ام و یاران و شاگردانم آن ها را نوشته اند.

۵) مثنوی معنوی - این کتاب مشهورترین اثرم می باشد و در آن مکتب عرفانی خود را در قالب شعر شرح داده ام.

ع ۱ - کتاب مثنوی، را در چه سنی نوشتید؟

ج م ب - من مثنوی را در سن پنجاه و سه سالگی شروع کردم و تا الان که شصت و شش سال دارم، آن را ادامه داده ام. یعنی مدت سیزده سال است، که مشغول نوشتن آن می باشم. این کتاب

حدود بیست و پنج هزار و شش صد و سی و دو بیت شعر دارد که در شش دفتر تنظیم شده است.

ع ۱ - بین مردم شایع است که مثنوی به خط شما نیست و کس دیگری آن را نوشته است. آیا این موضوع درست است؟

ج م ب - بله. به غیر از ۱۸ بیت اول که به خط خودم است، بقیه ی این کتاب، به تقریر من و به املا ی یکی از شاگردانم به نام حسام الدین چلبی است. یعنی من در حال جذب و شور، این شعر ها را سروده ام و او آن ها را روی کاغذ ثبت کرده است.

دو اصل و سه دوره

ع ۱ - شالوده ی مکتب فکری شما بر چه اساسی استوار است؟

ج م ب - بنده به «دو اصل» و «سه دوره» اعتقاد دارم.

ع ۱ - مقصود شما از «دو اصل» چیست؟

ج م ب - از دیدگاه من، در جهان فقط دو اصل وجود دارد: یکی روح و دیگری جسم. روح، مظهر نور است و جسم مظهر ظلمت. من خدا را از نور می دانم و جهان مادی را از ظلمت

ع ۱ - چه کسی این عالم را از ظلمت آفریده است؟

ج م ب - خداوند این عالم را از ظلمت آفریده است. «حق تعالی ضد نداشت، پس این عالم را آفرید از ظلمت تا نور او پیدا شود.» (مولوی، فیه مافیه ص ۳۱۲)

ع ۱ - جناب عالی به غیر از «دو اصل» از «سه دوره» نیز نام برده اید. مقصود شما از «سه دوره

چیست»؟

ج م ب - جنگ بین نور و ظلمت از سه دوره تشکیل شده است:

۱- در دوره ی اول، روح بشر (=نی) در قلمروی نور خداوندی (= نیستان) زندگی می کرده است.

۲- در دوره ی دوم، نی از نیستان جدا شده است و روح بشر در جسم ظلمانی اسیر شده است.

۳- در دوره ی سوم، روح بشر از قفس جسم آزاد می شود و نی به نیستان باز می گردد.

سه نتیجه

ع ۱ - جناب عالی فرمودید که روح بشر از نور و جسم بشر از ظلمت است. از این موضوع چه نتایجی

می گیرید؟

ج م ب - از این مقدمه، می توان سه نتیجه گرفت.

ع ۱ - نتیجه ی اول کدام است؟

ج م ب - نتیجه ی اول آن است که دنیای مادی، سرابی بیش نیست، زیرا از ظلمت است و باید از آن دوری کرد: «عالم کفی است.. این عالم کفی پر خاشاک است... قلب زرانود است. یعنی این

دنیا کفک است، قلب است و بی قدر و قیمت است» (مولوی، فیه مافیه، ص ۲۲۵)

ع ۱ - نتیجه ی دوم کدام است؟

ج م ب - نتیجه ی دوم آن است که جسم بشر، بی ارزش است زیرا از ظلمت است و باید آن را پست و خوار دانست. جسم آدمی مانند تپه ای از تپاله ی گاو است که در آن یک انگشتری پادشاه که همان روح بشر است افتاده باشد: « وجود آدمی بر مثال مزبله ای است چون تل سرگین . این تل سرگین اگر عزیز است، جهت آن است که در او خاتم پادشاه است.» (فیه مافیه، ص ۴۳۴)

ع ۱ - نتیجه ی سوم کدام است؟

ج م ب - نتیجه ی سوم آن است که خواهش های جسمانی مانند خور و خواب و شهوت، اهریمنی است و باید آن ها را کشت. «اول مجاهده که در طلب داشتند، قتل نفس و ترک مرادها و شهوات و آن جهاد اکبر است» (مولوی، فیه مافیه، ص ۳۶۷)

مخالفت با فلسفه

ع ۱ - آقای بلخی در بین عوام شایع است که جنابعالی با فلسفه مخالفید. آیا این شایعه راست است؟
ج م ب - خیر. من با فلسفه دهری و مکتب اصالت ماده مخالفم نه با فلسفه ی الهی و مکتب اصالت روح.

ع ۱ - چرا با فلسفه ی مادی مخالفید؟

ج م ب - فلاسفه ی مادی، معتقدند که عالم قدیم است یعنی این که از قدیم وجود داشته است و کسی آن را خلق نکرده است بنده، برعکس، معتقدم که عالم حادث است و خداوند آن را خلق کرده است. من، بر خلاف فلاسفه ی مادی، معتقدم که در پس پرده ی اسباب (=عالم)، مسبب الاسباب (=خداوند) وجود دارد.

«آن کس که داند در پس پرده کسی است، البته طالب دیدار آن کس شود. آن کس که نداند در پس پرده کسی است، آواز و حرکت از پرده داند و کافر و مشرک اوست. او پندارد که پرده سخن می گوید و نداند که پرده طلسمی بیش نیست و حجاب است» (فیه مافیه) به عقیده ی من، هر کس که در دلش شک و شبهه ای نسبت به خدا داشته باشد، در پنهان و خفا، فیلسوف است: هر کرا در دل، شک و پیچانگی است در جهان، او فلسفی، پنهانی است (مثنوی)
من از سینه ی خود، فکرهای فلسفی را پاک کرده ام و در چشم خود، افکار عرفانی را که مانند چهره ی یوسف، زیبا است، جای داده ام:

از سینه پاک کردم، افکار فلسفی را در دیده جای کردم، اشکال یوسفی را (غزلیات) به رویم رفته، نظر خوشی نسبت به فلاسفه ندارم، زیرا آن ها را منکر وجود خداوند می دانم:

فلسفی کو منکر حنانه است از حواس اولیا بیگانه است

فلسفی منکر شود در فکر و ظن گو برو، سر را بر این دیوار زن

فلسفی را زهره نی، تا دم زند دم زند، دین حقش بر هم زند (مثنوی)

مخالفت با علم

ع ۱ - آقای بلخی، در بین عوام شایع است که جنابعالی با علم مخالفید. آیا این شایعه راست است؟
ج م ب - خیر. بنده با علوم جسمانی مخالفم نه با علوم روحانی.

ع ۱ - چرا با علوم جسمانی مخالفید؟

ج م ب - علوم جسمانی مانند طب و نجوم و هندسه برای فربه کردن جسم بشر و بهتر کردن جهان مادی است. چون جسم بشر و جهان مادی را از جنس ظلمت می دانم، بنابراین این علوم را هم علوم ظلمانی می دانم. این ها علوم «این جهانی» اند.

خرده کاری های علم هندسه	یا نجوم و علم طب و فلسفه
که تعلق با همین دنیاستش	ره به هفتم آسمان بر نیستش
این همه، علم بنای آخور است	که عماد بود گاو و اشتر است (مثنوی)

ع ۱ - علوم روحانی که جنابعالی با آن ها موافقید کدامند؟

ج م ب - علوم روحانی مانند «علم عاشقی» و «علم انالحق» و «علم الیقین» است که هدف آن نابود کردن جسم ظلمانی است تا روح نورانی از زندان تاریک جسم آزاد شود و مانند ذره ای به سراپرده ی آفتاب خداوندی برسد. چون روح بشر را از جنس نور می دانم، بنابراین این علوم را هم علوم نورانی می دانم. این ها علوم «آن جهانی» اند.

نیست علمی جز «علم عاشقی» مابقی تلبیس ابلیس شقی (مثنوی معنوی)

فرشته و دیو

ع ۱ - جنابعالی گفتید که جسم بشر از ظلمت است. آیا این ادعا به این معناست که انسان یک موجود اهریمنی است؟

ج م ب - خیر. به عقیده ی من، در وجود انسان دو نیرو وجود دارد: یکی فرشته ی عقل و دیگری دیو نفس. این فرشته و دیو دائما با یک دیگر می جنگند. اگر فرشته پیروز شود بشر به قلمروی فرشتگان ارتقا می یابد و اگر دیو پیروز شود آدمی به قلمروی دیوان و ددان سقوط می کند: «احوال آدمی چنان است که پر فرشته آورده اند و بر دم خری بسته اند تا باشد که آن خر از پرتو صحبت، فرشته گردد ۰۰۰ زیرا ممکن است که خر... فرشته گردد و نفس غلیظ و کثیف، عقل شریف و لطیف شود» (فیه مافیه، ص ۳۴۲)

هر آدمی، در درون وجود خود، یک عیسی دارد. اگر آدمیزاد به نیروی موسایی خویش بر علیه نیروی فرعونیی خود که نفس اماره است قیام کند، حتما عیسی حقیقت او در گهواره ی وجودش به تکلم در خواهد آمد. «تن همچون مریم است. و هر یک عیسی داریم. اگر ما را درد پیدا شود، عیسی ما بزاید. و اگر درد نباشد، عیسی از آن راه نهانی که آمد، باز به اصل خود پیوندد. و ما محروم مانیم و از او بی بهره» (فیه مافیه، ص ۲۴۲)

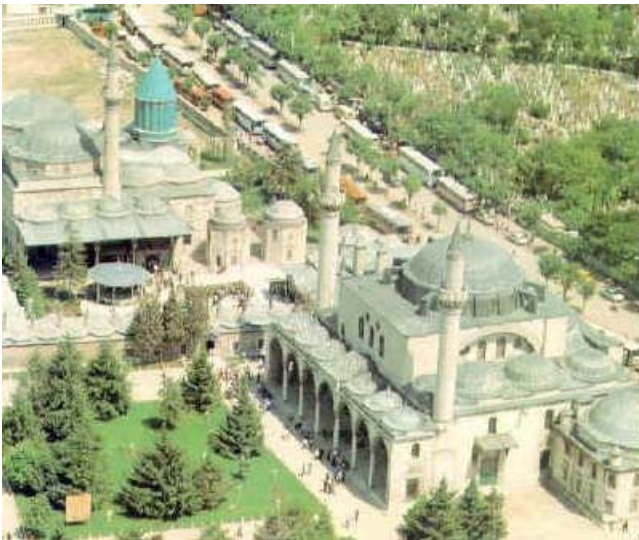
ع ۱ - جناب آقای بلخی، با آن که از محضر گرم جنابعالی سیر نمی شویم، اما متأسفانه وقت

ملاقات ما به پایان رسیده است و مجبوریم دنباله ی مصاحبه را به وقت دیگر موکول کنیم. بار دیگر از این که دعوت ما را پذیرفتید تشکر می کنم.

با کمال تأسف باخبر شدیم که، چند روز بعد از این مصاحبه، آقای بلخی در شهر قونیه چشم از جهان فرو بستند.



عکسی از درون آرامگاه مولوی



مجموعه ی عظیم آرامگاه مولوی در شهر قونیه واقع در کشور ترکیه

آقای جلال الدین محمد بلخی، در ۳۰ سپتامبر ۱۲۰۷ میلادی در شهر بلخ واقع در کشور افغانستان به دنیا آمد و در ۱۷ دسامبر ۱۲۷۳ میلادی، یعنی در سن شصت و شش سالگی در شهر قونیه واقع در کشور ترکیه چشم از جهان فرو بست. آرامگاه مولوی در قونیه به نام «درگه مولانا» نامیده می شود و سالی حدود دو میلیون نفر از مرقد ایشان بازدید می کنند. آرامگاه مولوی برای دولت ترکیه به

صورت یکی از مراکز مهم جلب توریست در آمده است.

منابع

فیه مافیه، اثر مولانا جلال الدین محمد بلخی خراسانی، با مقدمه و تصحیح حسین حیدر خانی، چاپ دوم، ۱۳۷۸، انتشارات سنایی، تهران، ایران.

Web Site: <http://news.gooya.com/ahmadi.php>

Email: abbas.ahmadi@mailcity.com

File: phil09mulavi02.vnf